

بیانیه مشترک روسیه و کشورهای عربی علیه تمامیت ارضی ایران با واکنش داخلی مواجه شد، کسی در تهران نباید از منافع ملی عبور کند

خطای محاسباتی مسکو



موضع شورای همکاری خلیج فارس در مورد جزایر سه گانه و صحبت اعضای این شورا از حل مسالمت آمیز «مناقشه» ایران و امارات دربارہ این جزایر اتفاق جدیدی نیست. درحالی که اصلا مشخص نیست که ریشه این مناقشه ادعایی کجاست و بر چه اساسی امارات باید مدعی تسلط بر جزایری باشد که از ابتدای خاک ایران تعلق داشتند. در صورت کشورهای یادشده از هیچ فرصتی برای تکرار مواضع ضدایرانی خود دریغ نمی کنند. اما آنچه در روزهای اخیر باعث شد این مساله بار دیگر بر سر زبان ها بیفتد حمایت روسیه از این موضع شورای همکاری خلیج فارس و بیانیه‌ای بود که راه حل این مناقشه موهومی را مذاکرات دوجانبه یا ارجاع به دیوان بین المللی دادگستری اعلام کرده بود. وزارت خارجه کشورمان با انتشار بیانیه‌ای این بخش از بیانیه شورای همکاری را مردود دانسته بود و ناصر کنعانی، سخنگوی این وزارتخانه در واکنش به این ادعای واهی گفت: «این جزایر تعلق ابدی به ایران داشته و صدور این گونه بیانیه‌ها با روابط دوستانه ایران و همسایگان مغایرت دارد.» روز گذشته وزیر امور خارجه کشورمان که همراه رئیس جمهور آفریقا به سر می برد از در توپیتی کوتاه اعلام کرد: «بر سر استقلال و تمامیت ارضی ایران، با هیچ طرفی تعارف نداریم.» گرچه این اقدامات وزارت خارجه به عنوان واکنش های اولیه به مواضع شورای همکاری و روسیه قابل قبول به نظر می رسد، لازم است برای جلوگیری از تکرار چنین اقداماتی توسط کشورهای همسایه اقدامات گسترده تری صورت گیرد که در ادامه به تشریح ابعاد مختلف این اقدامات می پردازیم.

مقدمه چینی برای آغاز یک دعوی حقوقی

مقایسه بیانیه اخیر وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس با بیانیه‌ای که سران این کشورها سال گذشته امضا کرده اند و امضای چین را نیز برای تأیید آن گرفته اند، نشان می دهد موضع اعضای این شورا در مورد جزایر سه گانه تا حدی تندتر شده است. در بیانیه‌ای سران کشورهای حاشیه خلیج فارس و چین در اجلاس پایانی مشترک خود منتشر کردند، برهان این کشورها حمایت خود را از تمام تلاش های صلح آمیز از جمله تلاش امارات برای دستیابی به راه حل مسالمت آمیز برای موضوع جزایر سه گانه تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی از طریق مذاکرات دوجانبه طبق قواعد حقوق بین الملل تأیید کردند. این موضع اما در بیانیه مطبوعاتی اخیر با روسیه با یک گام رو به جلو همراه بوده است. در این بیانیه به حل مساله جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی از طریق مذاکره دوجانبه یا دیوان بین المللی دادگستری با رعایت قواعد حقوق بین الملل و منشور ملل متحد تأکید شده است. در این بیانیه به وضوح بر ورود نهادهای بین المللی به مساله مالکیت جزایر سه گانه اشاره شده است، حال آنکه در بیانیه مشترک شورای همکاری خلیج فارس با چین صرفا مذاکرات دوجانبه طبق قواعد حقوق بین الملل پیشنه شده بود. تا پیش از این شورای همکاری خلیج فارس صرفا در بیانیه هایی که طرف های غربی از جمله آمریکا حامی آن بودند بر ورود نهادهای بین المللی تأکید می کرد. تلاش این شورا برای جلب حمایت متحدان ایران نشان می دهد امارات در تلاش برای ایجاد یک مشروعیت جهانی همه جانبه در تقابل با ایران بوده و امید دارد این مشروعیت را زلی کاذب بتواند نهادهای بین المللی را نیز به صدور رای جانبدارانه راضی کند. انفعال در برابر این تلاش ها باعث می شود دولت های عربی در گسترش اقدامات ضدایرانی خود با انگیزه بیشتری فعالیت کنند.

موضع گیری های صفر و صدی در تعامل با روسیه و چین شورای همکاری خلیج فارس برای چندمین بار است که با انتشار

بیانیه از ادعای مالکیت امارات بر جزایر سه گانه حمایت می کند. آنچه اما واکنش افکار عمومی را تا حد زیادی برانگیخته، حضور روسیه در بین امضا کنندگان این بیانیه است. با بررسی واکنش های مختلف به این بیانیه می توان گفت دو طیف در موضع گیری نسبت به این بیانیه، دچار خطا شدند. طیف اول عموما این گزاره را مطرح می کنند که ایران باید نسبت به همه مواضع روسیه، برخوردی قاطع داشته باشد و حتی سطح روابط خود را در سطوح سیاسی و اقتصادی کاهش دهد. این طیف در حالی دستگاه سیاست خارجی را محکوم به انفعال در برخورد با روسیه می کنند که نگاه می به موضع گیری های این افراد در برخورد با کشورهای اروپایی و آمریکایی، نشان می دهد این طیف فکری علی رغم اقدامات واضح ضدایرانی غربی ها، سکوت و دعوت به انفعال را ترجیح داده اند. رویکردی اعتماد صد درصدی این طیف در تعامل با غرب آسیب های زیادی را به دیپلماسی ایران در منطقه و جهان وارد کرده است. برخی گروه ها در حالی با شدیدترین لحن به اقدام روسیه واکنش نشان می دهند که در شرایط مشابه و زمانی که آمریکا در نشست با اعضای شورای همکاری خلیج فارس، ادعاها در باره جزایر سه گانه ایران را تکرار کرده بود، از این طیف فکری واکنش صریح و قاطعی نسبت به این اقدام ضدایرانی آمریکا دیده نشد. کنار هم قراردادن این موضع گیری ها، این فرض را محتمل تر می کند که در واقع دعوی اصلی این طیف، این نیست که ایران در سیاست خارجی، برخلاف منافع ملی عمل کرده است. دغدغه اصلی این طیف آن است که مسیر دیپلماسی ایران را به سمت غایت مورد نظر خود هدایت کرده و تعامل با جهان را به معنی تعامل صرف با دولت های غربی تعبیر کنند. اما نکته اصلی اینجاست که پیگیری این رویکرد، نه تنها باعث حفظ منافع ملی نمی شود، بلکه متحدان ایران در منطقه را به سمت کاهش روابط سیاسی و اقتصادی با ایران یا حتی قرار گرفتن در موضع تنش سوق می دهد. کمالاتکه همین اتفاق

در مورد روابط ایران و چین نیز رخ داد و ما در سال های منتهی به برجام درهای تعامل با دیگر قسمت های دنیا را روی خود بستیم. موضوعی که محمد جواد ظریف تلویحا در آخرین گزارش سه ماهه وزارت امور خارجه درباره برجام، به این اشتباه اشاره کرد و گفت: «با خوش خیالی، دوستان دورانی سختی را در طمع سرازیر شدن شرکت های غربی از خود رنجاندیم. اتفاقی که اگر نمی افتاد، نه دوستان دوران سختی رهاییمان می کردند و نه با فشار حداکثری ترامپ مواجه می شدیم.» در مقابل این نگاه طیف دیگری نیز وجود دارد که به صورت مطلق نسبت به برقراری روابط ایران با روسیه و چین نگاه مثبتی دارد و می شود گفت تقریبا همان خوشبینی که نسبت به برقراری روابط غرب در نگاه طیف فکری مقابل وجود داشت، حالا در این نگاه نسبت به برقراری روابط با این دو کشور دیده می شود و عموما وقتی اشتباهات و موضع گیری های غلطی درباره ایران توسط این دو کشور طرح می شود به صورت منفعلانه و از باب مماشات دعوت به سکوت می کنند.

گسترش منافع مشترک، هزینه اقدامات علیه ایران را بالا می برد

نکته قابل توجه در برقراری روابط با دو کشور روسیه و چین این است که نه قطع روابط سیاسی، معقول و منطقی به نظر می رسد و نه نادیده گرفتن و سکوت نسبت به هرگونه موضع گیری علیه ایران توسط این دو کشور در مجامع بین المللی، واکنش درستی به شمار می رود.

مواجهه صحیح در برخورد و تعامل با این دو کشور در گرو داشتن تحلیلی صحیح از انگیزه کشورهای در برقراری روابط دیپلماتیک است. وقتی منافع مشترک اقتصادی و سیاسی با کشورها زیاد باشند، روابط دوجانبه به سمت گسترش تعامل و رعایت خط قرمزهای دو کشور پیش خواهد رفت. منافع ایران در تعامل با

دو کشور روسیه و چین در مقایسه با غرب از اشتراکات بیشتری برخوردار است. موقعیت جغرافیایی و تبادلات اقتصادی ایران از جمله مهم ترین مصادیق این اشتراکات به شمار می رود و ایران باید از این اشتراکات بیشترین بهره را ببرد تا دوباره شاهد مواضع اینچینی از سوی روسیه و چین نباشد. اگر حرکت در مسیر گسترش منافع مشترک و تعاملات دوجانبه اتفاق نیفتد طبیعی خواهد بود که چین برای تأمین انرژی و روسیه برای خنثی کردن اثرات تحریمی علیه کشورش به سمت گسترش روابط با کشورهای شمال شرقی آسیا خلیج فارس بروند و در این راستا نیز برای گسترش تعامل هزینه امضای بیانیه ای که در یک بند آن مواضعی علیه ایران گرفته را بپذیرند و بعدا نیز تنها به عذرخواهی نسبت به این اقدام اکتفا کنند. ایران برای جلوگیری از این اتفاق باید در راستای گسترش هرچه بیشتر تعاملات اقتصادی گام بردارد. پیوندهای اقتصادی عمیق باعث می شود تا کشورها در موضع گیری های سیاسی منافع خود را نیز در نظر گرفته و از انجام اقداماتی که این منافع را به خطر می اندازد اجتناب ورزند. نکته دیگری که باید مورد توجه تیم دیپلماسی ایران قرار گیرد این است که شرکای سیاسی و اقتصادی خود را نسبت به خطوط قرمز خود توجیه کرده و مانع از آن شود که سران کشورهای مختلف، در نتیجه عدم آگاهی نسبت به حساسیت های ایران دچار اشتباهاتی شوند که همکاری های دوجانبه را دچار آسیب می کند. تکرار اشتباه چین توسط روسیه نشان می دهد در دیدارهای دیپلماتیک با مقامات این کشورها حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر سه گانه تفهیم نشده و طرف مقابل ارزیابی درستی از میزان حساسیت ایران نداشته است.

از دیپلماسی همسایه ها درس بگیریم

در همین روزها که روسیه چنین موضعی علیه تمامیت ارضی کشور ما اتخاذ کرده است، موضع دیپلماتیک این کشور درباره همسایه

شمال غربی ما به شدت جلب توجه می کرد. ترکیه در هفته گذشته و در جریان نشست اخیر سران کشورهای عضو پیمان ناتو، بعد از مدت ها با عضویت سوئد به این پیمان موافقت کرد. از آنجا که سوئد پیش از این موافقت تمام کشورهای دیگر عضو ناتو را کسب کرده بود، این اقدام ترکیه به معنای قطعی شدن عضویت سوئد بود. این درحالی است که سوئد از کشورهای نزدیک به مرزهای شمال غربی روسیه است و پیوستن آن به ناتو حتما خبر خوبی برای روسیه نبوده است. زیرا گسترش روزافزون حوزه نفوذ ناتو تهدید بزرگی برای امنیت روسیه به شمار می آید و انتظار می رفت که واکنش روسیه به این اقدام ترکیه منفی باشد یا در بهترین حالت در مورد ترکیه سکوت اختیار کند. اما سخنگوی کرملین در واکنش به موافقت ترکیه با پیوستن سوئد به ناتو، اعلام کرد که موافقت ترکیه را درک می کنیم، و علی رغم همه اختلافات روسیه مایل است تا روابط دوجانبه خود با این کشور را ادامه دهد. طبیعی است که با توجه به سطح روابط دوجانبه روسیه و ترکیه انتظار موضع گیری شدیدتری از سوی کرملین نمی رفت اما اتخاذ چنین موضعی هم عجیب به نظر می رسد. با توجه به این موضع گیری از سوی مسکو در این زمینه، می توان از منظر متفاوتی به حمایت این کشور از بیانیه شورای خلیج فارس پرداخت. مقایسه روابط دوجانبه مسکو با تهران و آنکارا حاکی از آن است که در سال های گذشته تنش ها و اختلافات بین روسیه و ترکیه بسیار بیشتر از موارد مشابه بین روسیه و ایران بوده است. ترکیه علاوه بر اقدام اخیر خود یعنی موافقت با پیوستن سوئد به ناتو، روابط بسیار نزدیک تری با غرب در مقایسه با ایران دارد. علاوه بر این مواضع ترکیه در نبرد بین آذربایجان و ارمنستان و حمایت تمام قدا با کوزنیز کاملا بر خلاف منافع روسیه بوده است، چرا که با تحقق اهداف آنکارا و باکو از این نبرد بیم آن می رود که با تاسیس کریدور ننگرور مسیر اتصال روسیه به آب های گرم از طریق کریدور شمال به جنوب مسدود شود. اما چرا با وجود روابط مناسب ایران و روسیه و همچنین اقدامات ترکیه، روسیه موضع دیپلماتیک نرم تری نسبت به ترکیه دارد! پاسخ را باید در تعاملات اقتصادی این دو کشور جست وجو کرد. حجم تبادلات اقتصادی روسیه و ترکیه چندین برابر تبادلات ایران و روسیه است و همین امر باعث شده است وابستگی متقابل روسیه و ترکیه افزایش پیدا کند. این اتفاق به نشان می دهد که برای مقابله و جلوگیری از اقداماتی مشابه آنچه که روسیه انجام داده است گرچه به موضع گیری های دیپلماتیک فوری نیاز دارد اما راه حل بلندمدت و پایدار آن از مسیر گسترش هرچه بیشتر تعاملات اقتصادی و سیاسی می گذرد. این اتفاق که نشان می دهد نباید به بهانه بروز چنین اختلافاتی از قطع یا کاهش سطح روابط با کشورهایمانند روسیه و چین سخن گفت بلکه باید با گسترش سطح روابط و ایجاد وابستگی متقابل بین کشورها از وقوع چنین موضع گیری هایی جلوگیری کرد. جلب اینجاست افرادی که به این بهانه پیشنهاد قطع رابطه با روسیه را مطرح می کنند خود نسخهای جز افزایش رابطه با کشورهای غربی که از قضا مواضع به شدت تندتری علیه کشور ما دارند پیشنهاد نمی دهند. از طرف دیگر همان طور که گفته شد قطع یا کاهش سطح روابط با هر کشوری، از آنجا که به کاهش وابستگی متقابل منجر می شود احتمال افزایش تعداد و شدت چنین مواضعی علیه کشورمان را تقویت می کند. با توجه به نکات مطرح شده به نظر نمی رسد افرادی که به بهانه قاطعیت پیشنهاد کاهش سطح روابط با روسیه را مطرح می کنند دغدغه ای جز گسترش روابط با غربی ها و مسدود کردن سایر مسیرهای تعامل با دنیا داشته باشند.

جوابیه مرکز بررسی های استراتژیک

به امر سیاستگذاری فراگیر با توجه به مصالح ملی مشغولیم

روز یکشنبه، ۱۱ تیر ۱۴۰۲ روزنامه فرهیختگان در یادداشتی به قلم زهرا طیبی با عنوان «مهم ترین بازوی فکری دولت در خطر تعطیلی» به ارائه تاریخچه ای کوتاه از تأسیس و فعالیت مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری در ادوار مختلف رؤسای جمهور پرداخته و شرحی از نحوه ارتباط ریاست این مرکز با رؤسای جمهور ارائه داده است.

متاسفانه دغدغه مستتر در گزارش به دلیل عدم مراجعه به اسناد و مدارک به ویژه گزارش عملکرد مرکز در دولت سیزدهم خالی از اشکالات فنی نبوده و شایسته بود، نویسنده محترم با مراجعه به سایت مرکز و ملاحظه گزارش عملکرد که قابل دسترس برای عموم است، ارزیابی کارشناسی و مستند ارائه دهد.

مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری مطابق با شرح وظایف و مأموریت های تعیین شده خود، موظف به انجام مطالعات و پژوهش های سیاسی و ارائه طرح ها و پیشنهادات جامع و راهبردی پیرامون مسائل کلان ملی و بین المللی با رعایت سیاست های کلی نظام برای شخص رئیس محترم جمهور است. در دولت سیزدهم نیز جایگاه و شرح وظایف مرکز منبعث از اساسنامه اولیه و مأموریت های تعریف شده آن در راستای اهداف و با عنایت به مفاد حکم ابلاغی به رئیس مرکز مبنی بر استفاده از کلیه ظرفیت های نخبگانی و اندیشگاہی کشور در تولید اندیشه و محتوای راهبردی مورد نیاز دولت در عرصه های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی «می باشد که به عنوان اتاق فکر و مرکز تصمیم سازی رئیس جمهور دولت مردمی ایفای نقش می کند.

از زمان آغاز به کار دولت سیزدهم این مرکز با عبور از رویکردهای تقلیل گرایانه سیاسی و جناحی، و پرداختن به امر سیاست گذاری فراگیر، آن هم صرفا با در نظر گرفتن مصالح کشور و نظام مقدس جمهوری اسلامی را سرلوحه برنامه های خود قرار داده است و با اقدامات گفتمان پژوهی و گفتمان سازی به دنبال گشودن مجرایی برای مشارکت عمومی در اهداف و برنامه ها و نظارت بر تصمیمات و اقدامات دولت بوده است. به بیان قیق تر مرکز همت خود را صرف تحقق

زاینده رود و برگزاری جمععات حول این موضوع در استان های آبخیز آغاز شد. شرایط به گونه ای رقم خورد که شخص رئیس محترم جمهور مرکز را مأمور تهیه گزارش مکتوب و مستند نسبت به سوسه مدیریت ها و چالش های پیرامون این مساله نمودند. نتیجه آنکه مرکز با انجام مکاتبات متعدد و اخذ گزارش های کارشناسی، مشکلات و راهکارهای اجرایی را در سه محور کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت تقدیم ریاست محترم جمهور کرد تا با افقی روشن و اشرافی کامل به حل معضلات محیط زیستی پرداخته شود. همچنین در اغتشاشات سال ۱۴۰۱، مرکز اقدام به برگزاری سلسله نشست های کارشناسی با نخبگان مرتبط با موضوع، فارغ از نگاه سیاسی آنها کرد تا دولت را بیش از پیش به زوایای اجتماعی این حوادث رهنمون سازد.

در واقع بخشی از مشاوره های سیاستی پس از رخداد یک مساله یا چالش از جانب رئیس محترم جمهور و بخش قابل توجهی از آن به صورت پیش بینی با شناسایی چالش های بالقوه مشاوره های پیش دستانه در دستور کار قرار داشت. تهیه دستورالعمل جبران خدمات حقوق اعضای هیات علمی، و تهیه گزارش راهبردی در موضوعاتی چون مهاجرت نخبگان، آسیب های اجتماعی، حکمرانی آب، تدوین پیش نویس برنامه ارتقای ترانزیت کشور، تقویت نقش دیپلماسی علمی در فرایندهای تصمیم سازی و سیاستگذاری، بررسی نظام مسائل حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی، تقویت هویت ملی و اسلامی، بررسی مسائل صنعت خودروسازی کشور، راهکارهای عادلانه سازی یارانه ها، ارزیابی چالش ها و فرصت های سیاست همسایگی، بررسی مسائل بازار مسکن و اجاره بها، شناخت ریشه ها، عوامل و علل بروز ناآرامی های سال ۱۴۰۱، مسائل ناترازی انرژی، امنیت غذایی و از همه مهم تر تدوین سازوکارهای تحقق منویات مقام معظم رهبری در خصوص حکمرانی مردمی در این بخش از اقدامات مرکز در جایگاه و نقش اتاق فکر رئیس محترم جمهور قرار می گیرد.

نتیجه آنکه این مرکز سعی بلیغ و فراوانی از خود نشان داده تا بتواند با کمترین حاشیه به عنوان اتاق فکر دولت نقش مؤثری ایفا نماید. این امر کمک بسیاری

مأموریت های ابلاغی رئیس محترم جمهور از طریق رصد مسائل کلان کشور و ارائه راهبردی برای حل آنها با بهره گیری از ظرفیت نخبگانی نموده است و با تأسی از تعبیر نو و بدیع رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر «وارد کردن جوانان در عرصه سیاستگذاری و مدیریت کشور» برای اولین بار در این مرکز نسبت به تشکیل حلقه های میانی و ایجاد بستر ارتباطی برای نخبگان اقصی نقاط کشور با هدف مشارکت آنها در فرایند سیاستگذاری، اقدامات مؤثری صورت پذیرفته و تلاش شده تا مرکز به عنوان حلقه واسط و تسهیلگر میان جامعه نخبگانی و جوان کشور و بخش های فعال در امر سیاستگذاری درون حاکمیت، ایفای نقش کند. برگزاری بیش از ۱۶۳ نشست تخصصی در سرفصل های امور زیربنایی و تولیدی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، علمی و فناوری، سیاست داخلی و سیاست خارجی و تدوین ۱۲۰ نگاشت سیاستی و ۹۳ گزارش راهبردی حول محوره های فوق و ارائه به مراجع تصمیم ساز، بازتعریف رابطه دولت با دانشگاه ها از طریق تأسیس و ایجاد ۴ میز دولت در دانشگاه های مهم کشور در جهت حل مسائل ملی و منطقه ای و انتقال ایده های دانشگاه به دستگاه های اجرایی، حمایت از تأسیس نخستین پارک اندیشگاہی در کشور در راستای توسعه زیست بوم اندیشگاہی کشور مبنی بر توسعه شبکه نخبگانی و استعدادیابی سیاست پژوهان جوان، ایده پردازی و مشارکت در تأسیس نخستین دانشکده حکمرانی و پارک اندیشگاہی در کشور، تدوین برنامه های اقدام همچون برنامه اقدام اعتلای حوضه آبخیز زاینده رود، انجام پیمایش های ملی در چهارچوب بررسی مسائل اساسی کشور، تنظیم آیین نامه ها، دستورالعمل ها و پیگیری ابلاغ آن از سوی رئیس محترم جمهور از جمله آیین نامه جذب، نگهداشت، زمینه سازی برای اثرگذاری و بازگشت نخبگان، تنها بخشی از این اقدامات مرکز در دولت سیزدهم و طی دوسال گذشته بوده است.

بخش قابل توجهی از اقدامات مرکز در چهارچوب کنشگری به عنوان اتاق فکر به فرایند تدوین بسته های راهبردی موضوعی حسب دستور رئیس محترم جمهور بازمی گردد. به طور مثال فعالیت مرکز در دولت سیزدهم همزمان با چالش حوزه آبخیز